



موسیقی

ترجمه شهرزاد صباغ



ساعت ۹ شب، ۲۸ آوریل ۱۹۹۴

جسد Kurt Cobain بعد از این که شش روز از کم شدن او می گذشت
 در اتاقکی بالای کاراز خانه اش در سیاتل، توسط برقکاری که
 مسئول سیستم حفاظتی خانه بود، پیدا می شود.
 Cobain با یک کالیبر ۳۸ به مغزش شلیک کرده بود
 صورتش قابل شناسایی نبود و فقط از اثر انگشتش
 پی به هویت او بردند پزشکی قانونی تشخیص می دهد که
 دو روز و نیم از مرگ او گذشته - مله بر زیادی هروئین و الیوم هم
 در خون او دیده می شود.
 بعد از چندین بار مسمومیت حاد ناشی از افراط در
 استعمال مواد مخدر در چند ماه آخر عمرش
 این بار شلیک کتوله را هم همراه مواد می کند تا مرگش حتمی شود...
 دلایلش هم همانند، اصلاً مهم نیست
 چیزی که مهم است ترانه های معزونی و استادانه اوست
 و همین گانی است که به زندگی ۲۷ ساله او اعتبار ببخشد

می ترسم دردم را از دست بدهم

گفت وگو با کرت کوبین دو ماه پیش از پایان

Nirvana Kurt Cobain



گفت‌وگویی که David Fricke با Kurt Cobain

انجام داده مصاحبه مهمی است؟

اول این که نشریه Rolling stones

مجله‌های حرفه‌ای و معتبر است

و دوم این که این مصاحبه درست ۲ ماه

قبل از خودکشی او انجام شده

و مفصل‌ترین مصاحبه او قبل از مرگ محسوب می‌شود.

به هر حال امیدوارم به حال علاقه‌مندان

Nirvana مفید واقع شود.

این مصاحبه چندی قبل (۸ آوریل - ۲۰ فروردین)

به مناسبت دهمین سالگرد Cobain

هر ویژگی‌های Rolling stones که

برای او انتشار داده بود، چاپ شد.

امشب، دومین شبه که نیروانا در آراگون شیکاگو کنسرت داده و این اولین هفته‌ای‌یه که نیروانا تور ۲ ساله خودش رو در سرتاسر ایالات متحده شروع کرده. Kurt Cobain در راه پله‌هایی که به رختکن منتهی می‌شه ایستاده و در حالی که بسیار خسته نشون می‌ده با دختر یک ساله‌اش Frances Bean مشغوله، و بعد این مصاحبه هم باید فوری برای استراحت به هتل برگرد.

سال قبل، Cobain اعتیاد طولانی‌اش رو به هروئین ترک کرده مصرف بیش از اندازه مواد، باعث دردهای دائمی شدید در ناحیه معده‌اش شده بود. او همین‌طور که در این مصاحبه می‌گه:

خودش رو معالجه کرده و در مسیر بهبودی قرار داره، او می‌گه که هر ماه که می‌گذره خوشبین‌تر می‌شه و کارهای زیادی داره که باید انجام بشه.

به همراه چیزهای دیگه که امشب روی صحنه خوب پیش نرفتن، شما صحنه رو بدون اجرای Smells Like Teen Spirit ترک کردین، چرا؟

چون که اون [آهنگ] می‌تونست همه چیزو دو برابر خراب کنه، درست مثل یه تیکه یخ که بندازن رو یه کیبک داغ. راستش من هیچ وقت تک‌نوازی گیتار

Teen Spirit رو به یاد نمی‌یارم، درست ۵ دقیقه وقت می‌پره که تو اتاق تدارکات بشینم و اون تک‌نوازی رو یاد بگیرم، خیلی هم با هم‌چین چیزی

حال نمی‌کنم. نمی‌دونم از سر تنبلی‌یه یا نه؟ هنوزم دوست دارم Teen spirit رو بزمن ولی تقریباً این آهنگ همیشه مایه خجالتم می‌شه.

برای چی؟ هنوزم موفقیت غیرعادی این آهنگ اذیت می‌کنه؟

آره، همه زیادی رو این آهنگ متمرکز شدن، مردم این آهنگ رو میلیون بار از MTV دیدن و توی مغزشون فرو رفته، واسه همین ام‌با‌زتاب بزرگی پیدا کرده، من فکر می‌کنم یک عالمه آهنگ دیگه نوشتم که اگه بهتر از اون نیستن، لاقل به همون اندازه خوبن، مثلاً Drain you قطعاً به اندازه Teen Spirit خوبه، من عاشق شعرشم و هیچ‌وقت از زدنش خسته نمی‌شم، شاید اگه Drain you به گندگی Teen Spirit بود این قدر دوستش نداشتم. به‌هرحال من، به خصوص توی شب بدی مثل امشب، به راحتی از Teen Spirit می‌گذرم. من واقعاً می‌خوام گیتارمو پرت کنم زمین و بذارم برم، نمی‌تونم وانمود کنم که وقتی می‌زنمش حال خوشی دارم.

ولی وقتی می‌نوشتی‌اش حتماً حال خوبی داشتی؟

ما حدود سه ماه بود که مشغول تمرین بودیم، منتظر بودیم تا با DGC قرارداد ببندیم، من و Dave (Grohl) و درامر گروه (توی اسپیا (در واشنگتن) بودیم و Krist (Noveselic، نوازنده گیتار باس گروه) توی تاگما (در واشنگتن) بود. ما هر شب برای تمرین تا، تاگما می‌روندیم و سعی می‌کردیم تا آهنگ بنویسیم. من داشتم سعی می‌کردم یک چیز خیلی پاپ بنویسم و در واقع داشتم گوش Pixies رو می‌پریدم، [با لبخند] این رو باید بپذیرم، وقتی برای اولین بار Pixies رو شنیدم، به‌طرز وحشتناکی باهاشون ارتباط برقرار کردم، من باید توی اون گروه می‌بودم یا حداقل باید توی Cover band اون‌ها می‌رفتم. ما از حس پویای Pixies کلی استفاده کردیم؛ اولش نرم و آرام می‌زنی و بعدش بلند و سنگین Teen Spirit فقط تکرار مکررات بود [riff] شبیه چیزایی که تو بوستون کلیشه شده، وقتی قسمت گیتارشو تموم کردم Krist نگام کرد و گفت: «این واقعاً مضحکه». البته من اونارو راه انداختم و توی یک ساعت و نیم این آهنگ رو درآوردم.

سطر Here we are now توی شعر Teen spirit از کجا اومده؟

(حالا ما این جاییم)

این از چیزی می‌یاد که من هر موقع وارد مهمونی می‌شم و می‌خوام یخ مجلس رو آب کنم می‌گم، خیلی وقتها، بین کلی آدم تو مهمونی وایستادین و کلی کسل و مغذبت هستین، خوب پس «حالا ما این جاییم، سرگرممون کنین، چون این‌جا دعوت‌مون کردین».

این اولین تور U.S. شما بعد تور Nevermind در سال ۸۱ است چرا از تور کناره‌گرفتن، این قدر طولانی؟ من به زمان احتیاج داشتم تا افکارمو جمع‌وجور کنم، واقعاً داشتم اذیت می‌شدم و باید خیلی چیزها رو دوباره تو خودم تعدیل می‌کردم و تازه تحت تأثیر این فکر بودم که واقعاً نیازی به گذاشتن تور ندارم. ما کلی پول گیرمون اومده بود، چندین میلیون دلار، هشت تا ده میلیون نسخه از Nevermind فروش رفته بود و خوب این برای من یک عالمه پول بود، خب پس فکر کردم عقب بشینم و لذت‌اش رو ببرم. اینو نمی‌گم که عذری بتراشم ولی درد مزمن معده‌ام بزرگ‌ترین مانع ما برای گذاشتن تور بود. من با این درد مدت‌ها درگیر بودم، ولی اگه پنج سال مداوم یک درد وحشتناک رو تجربه کنین، آخرهای سال پنجم درست و حسابی دیوونه می‌شین. من دیگه از عهده هیچ کاری بر نمی‌اومدم و درست اندازه یه گربه خیس له و لورده، شیزوفرنیک بودم.

چه قدر این درد فیزیکی توی نوشتن آهنگ‌ها تأثیر داشت؟

چه سؤال ترسناکی، خب مسلمه اگه آدم ناراحتی‌ای تو زندگی‌اش داشته باشد حالا هرچور که باشه، تو موسیقی‌اش خودشو نشون می‌دهد و خوب خیلی وقتها این خودش سوخته. فکر می‌کنم احتمالاً این درد کمک‌ام می‌کرد، ولی من باید همه چی رو ترک کنم تا بتونم سلامتی خوبی داشته باشم، دلم می‌خواست این مصاحبه رو خیلی وقت دیگه، وقتی با تور حسابی دور شده بودیم انجام می‌دادم. صادقانه بگم این لذت بخش‌ترین توری‌یه که تا به حال داشتم و معده‌ام اصلاً اذیت نمی‌کنه، می‌تونم بخورم و این خیلی عالیه، دیشب یک پیترزای گنده خوردم، کلی سرکیفم می‌یاره، ولی بعد دوباره می‌ترسم که اگه درد معده‌ام رو از دست بدم، نتونم لون جور که باید خلاق باشم کی می‌دونم [مکت] من الان هیچ آهنگ جدیدی ندارم. تو همه آلبوم‌های قبلی‌مون، همیشه دو سه آهنگ بودن که جا می‌داشتیم‌شون و تو آلبوم نمی‌رفتن و همیشه یکی‌شون بدک نبوده، از متوسط بالاتر بود و ما می‌تونستیم واسه کار بعدی به همون اون تکیه کنیم، ولی این آخری خیلی جالبه، چون هیچ چیزی رو جا ننداختم، بدون خط خوردگی، واقعاً نمی‌دونم بعد این چی‌کار می‌خوایم بکنیم.

یکی از آهنگ‌هایی که در آخرین نسخه از آلبوم Inutero (در زهدان) درش آوردین، اسمش بود «از

داشتیم، یکهو Axl Rose با ۱۰ و ۱۵ تا بادبگارد اومد تو، چه بریزوبه پاشی، اون همه آدم دور خودش جمع کرده بود، اگه خودش تنهایی می اومد تو، اصلاً اتفاق مهمی نمی افتاد، ولی اون می خواست جلب توجه کنه، اول خودتون توجه رو می سازین بعد همه جلبش می شن.

این روزا با Pear Jam میونهات چه طوره؟ شایعه بود که قراره عکس تو و Eddie Vedder رو کنار هم رو مجله تایم بنذازن؟

دوست ندارم وارد این قضیه بشم، یکی از چیزایی که خوب یادش گرفتم این که کل انداختن با مردم واسه ما خوب نیست، همه مشکل و دعوایی که بین Pearl Jam و Nirvana بوده مدت هاست که تموم شده.

هیچ وقت نفهمیدیم این دشمنی با Vedder سرچی بود؟

سر چیز خاصی نبود، من بدجوری نقدشون کردم، چون از گروهشون خوشم نمی یاد، من تا حالا Eddie رو ندیدم. اینم مطمئنم که اونا مثل ما با مخاطبهاشون در نمی افتن، اونا فقط راه صاف خودشون رو میرن، یک گروه بی خطر، یک گروه ناز نازی که خب همه خوششون می آد. [می خندد] وای خدا، چه چیزا که راجع به این قضیه الان تو کلهام وول نمی خوره !!

ما واقعاً سخت کار می کنیم تا آلبومی بیرون بدیم که در حد توان مون خوب باشه، شاید این حرف خیلی خودپسندانه باشه ولی ما از خیلی از گروههای اون بیرون بهتریم. اگه یه دوجین آهنگ جذاب داشته باشی تا مدتها برندهای، منم اگه زنگ بودم باید بیشتر آهنگهای Nevermind رو نگه می داشتم و خورد خورد توی ۱۵ سال منتشرشون می کردم، ولی این کاره نیستم، همه آلبومهایی که دوستشون دارم اونایی ان که کار خوب بیرون دادن مثل: Rocks از Aerosmith's، Bollocks از Sexpistol's، [Ledzeppelin] و Back in Black از AC/DC

شماها همیشه موقع ضبط، حسابی عین یک طرفدار خوب بیتل ها رفتار می کنین؟

آه. آره. جان لنون بیتل محبوب منه، من درست نمی دونم کدوم قسمت از آهنگهای بیتل ها رو دقیقاً کی نوشته، مهم هم نیست، ولی پل مک کارتی ناراحتام می کنه، جان لنون معذب بوده و برای همین هم باهاش نزدیکی حس می کنم. از روی



بزنم ولی تو زندگی ام چیزی سر جاش نبود، پس تصمیم گرفتم خودمو معالجه کنم.

این روزا چه جور میل هایی (mail) از طرفدارات می رسه؟

[مکث طولانی] من باید یک عالمه میل بخونم و حسابی با اونا خودمو درگیر کنم ولی راستش خیلی گرفتارم، گرفتار ضبط، ویدئو، تور. حتی وقت این که یکنونه نامه رو بخونم هم ندارم و از این بابت حس بدی دارم، هیچ وقت انرژی کافی واسه این کارها نداشتم، باید بپذیرم که در این مورد منم مثل باقی ستاره های راک رفتار می کنم و هیچ جور مسئولیتی رو در قبال میل های رسیده نمی پذیرم، من حسابی از همه چی دور افتادم، دنیای بیرون کاملاً برام بیگانه است. خیلی خیلی که خوش شانس باشم، بتونم به یک کلاب برم، یک شب تو کانزاس سیتی کاری نداشتم و اتفاقی رفتیم به باره اون جا با چند تا آدم خیلی خوب آشنا شدم، بچه هایی بودن که واسه خودشون Band داشتن و من تموم شب واقعاً باهاشون حال کردم، بعدم دعوتشون کردم به هتل ما و واسه شون سرویس اتاق سفارش دادم، البته آخرهاش دیگه داشتم کسل می شدم، ولی به هر حال یه چیزو خوب فهمیدم و اون این که هنوزم می تونم دوستهایی پیدا کنم، چیزی که فکر نمی کردم دیگه هیچ وقت برام ممکن باشه. چند سال پیش ما توی دیترویت بودیم و تو یه کلاب اجرا

خودم متنفرم و می خوام بمیرم، I hate myself & want to die، واقعاً منظور تون چی بود؟

اون واقعاً چیزی بیشتر از یه شوخی نبود و شاید همین باعث شد که از آلبوم درش بیارم. ما می دونستیم که مردم اونو نمی گیرن، اونا خیلی جدی می گرفتن. این آهنگ روی هم رفته هزل بود، یک شوخی بود بین خودمون. من اون موقع به یک آدم شیروفرنیک پاک باخته که همیشه می خواد خودشو بکشه فکر می کردم. در واقع اسمش این بود He isn't satisfied with any thing (اون از هیچی راضی نیست) و فکر می کردم این یک عنوان بامزه می شه، تا مدتها می خواستم که این اسم آلبوم باشه ولی بعد فهمیدم که اکثریت مردم درکش نمی کنن.

تا حالا توی حالتی بودی که درد و اندوهات این قدر شده باشه که واقعاً بخواهی خودتو بکشی؟

تو اون پنج سالی که مشکل معده داشتم، آره. هر روز می خواستم کلک خودمو بکنم و خیلی وقتها هم تا نزدیکش رفتم. متأسفم که دارم این قدر زک حرف می زنم، وقتی تور داشتیم، دراز می کشیدم رو زمین و هوای توی ریه ام رو غرق می زدم، چون نمی تونستم آب بخورم و سو این وضعیت باید برنامه رو ادامه می دادم، ۲۰ دقیقه بدون وقفه، می خوندم و خون بالا می آوردم. دیگه نمی شه اون جور ادامه بدم، من عاشق اینم که موسیقی



کتاب‌هایی که خوندم - و من به هرچی که بخونم شک می‌کنم - به خصوص در مورد کتاب‌های مربوط به راک، واقعاً برایش [John Lennon] متأسفم، بدجوری تو اون آپارتمان حبس بوده، مسلماً اون عاشق Yoko و بچه‌اش بوده ولی زندگی‌اش درست عین یه زندون بوده و اونم می‌خواست آزاد باشه. واقعاً انصاف نبوده، مردم بدجوری با شهرت برخورد می‌کنن، با این قضیه واقعاً مشکل دارم، به نظرم وقتشه که یه ذره همه چیز عوض بشه، البته

متقاعد کردن مردم در این مورد [شهرت] خیلی سخته. سخت‌نگیرین، فقط یک خورده به ما احترام بذارین، باور کنین ما همه مون گه‌ایم. [می‌خندد]

در مورد In utero فکر نمی‌کنی خیلی جاها مزخرف از آب دراومده؟

خب، آره. ما خیلی سریع کار کردیم، همه آهنگ‌ها ظرف یک هفته ساخته شدن و من ۸۰٪ آوازها (Vocals) رو یک روزه خوندم، حدود ۷ ساعت، اون روز واسه‌ام خیلی روز عالی‌ای بود ولی خودمون می‌دونستیم یک جای کارمون اشکال داره، آخرش فهمیدیم Vocal زیادی بلنده، جوری که صدای باس شنیده نمی‌شه و نتهایی که Krist می‌زد توش گم می‌شه. فکر می‌کنم چندتا آهنگ که تو این آلبوم [In Utero] باید دوباره ضبط و صداگذاری بشه، قطعاً Penny Royal Tea از اوناس، یک جاش درست نیست ولی می‌دونم که تک آهنگ قوی‌یه، فقط باید درستش کنم.

آهنگ‌هایی مثل Dumb و All Apologies نشون می‌دن که شما دنبال راهی هستین تا بدون سرو صدای اکت با مردم ارتباط برقرار کنین؟

دقیقاً، من آرزو دارم بتونیم چند تا آهنگ دیگه مثل این دو تا بنویسیم، وقتی آهنگ About a Girl رو تو آلبوم Bleach گنجوندم، خیلی ریسک کردم، زیادی پاپ درامدن. من واقعاً R.E.M رو دوست دارم و اکثر کارهای محشر دهه ۶۰ رو، ولی واقعاً

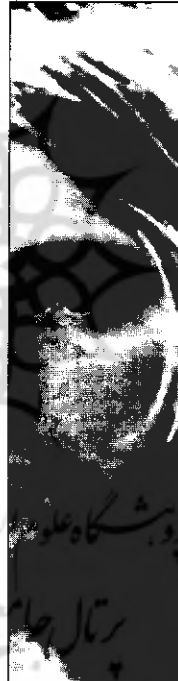
اجرای همجین کارهایی روی سن سخته، همه می‌خوان به صدای گنده از گیتار بشنون، خب ما هم بدمون نمی‌یاد، ولی واقعاً نمی‌دونم چهقدر دیگه حنجره‌ام جواب می‌ده، که هر شب از ته حلقم جیغ بکشم، گاهی وقتها آرزو می‌کنم کاش منم مثل Bob Dylan یک سازدهنی داشتم تا هر جا صدام کم آورد ازش استفاده می‌کردم، البته اگه بخوام تهیه‌اش آسونه.

با همه اینا آینده Nirvana رو چه طور می‌بینی؟
واسه من غیرممکنه، یک نگاه بنذارم و بگم: خوب حالا من حاضرم تا ده سال دیگه تو Nirvana بزنم. نه، دوست ندارم کارهای Eric Clapton رو بکنم، نمی‌خوام اونو [Clapton] خراب کنم، من به شدت واسه‌اش احترام قائلم، فقط نمی‌خوام بعداً مثل اون موسیقی‌ام رو مدام با سن و سالم هماهنگ کنم. [می‌خندد]

وقتی تابستون امسال به خاطر خشونت در خانواده دستگیر و جریمه شدی، کورتنی، (Courtney Love) همسر کوبین) به پلیس گفت که تو، توی خونه اسلحه نگه می‌داری. چه تیزی داری که مسلح باشی؟
من تفنگ‌ها رو دوست دارم و با تیراندازی هم حال می‌کنم.

تیراندازی به کجا؟ به چی؟
[می‌خندد] خوب وقتی می‌ریم بیرون شهر تو جنگل، تیراندازی می‌کنم. اون جا پُر صخره‌های گنده‌اس و تا کیلومترهاشام پرنده پر نمی‌زنه، بنابراین به کسی آسیبی نمی‌رسونم. فکر نمی‌کنی داشتن اون [اسلحه] تو خونه، بدون اطلاع به پلیس و به خصوص با وجود دختر کوچولوت Frances خطرناکه؟

نه، این یک جور محافظته. من هیچ یادگیری ندارم، البته خونه ما سیستم امنیتی خوبی داره، ولی به هر حال اسلحه لازمه، تازه من اون رو توی یک کابینت که تقریباً به سقف چسبیده نگه می‌دارم و فرانسیس هیچ وقت دستش به اون نمی‌رسه. من یه M - 16 دارم که شلیک باهاش خیلی بامزه‌اس، این



تنها ورزشی که بهش علاقه دارم. نظر Courtney راجع به نگه داشتن اون تو خونه چیه؟

اون خودش وقتی اون رو می‌خریدم همراهم بود. ببین، من خیلی آدم گردن کلفتی نیستم، اگه مثلاً یکی بخواد با چاقو و اسلحه بهم حمله کنه آمادگی لازم رو ندارم، در ضمن نمی‌تونم یک گوشه ایستم و ببینم که یکی خانواده‌ام رو بکشه یا بهشون تجاوز کنه، من باید بتونم مغز کسی رو که می‌خواد همجین کاری بکنه بیرون بریزم. این فقط واسه محافظت و بعضی وقتها هم واسه تفریح تیراندازی [مکش]، می‌خوام این قضایا خوب روشن شده باشه [می‌خندد].

معمولاً مردم فکر می‌کنن کسی که آلبومش چندین میلیون نسخه بفروشه حساسی وضعیت می‌زونه، چهقدر پول داری؟ و پول داشتن چه حسی بهت می‌ده؟
شنیدم می‌خوای یک خونه تازه بغری که یک استودیو هم توش داشته باشه. ولی حساب بانکی‌ات که می‌گه نمی‌تونی از پس‌اش بریایی؟

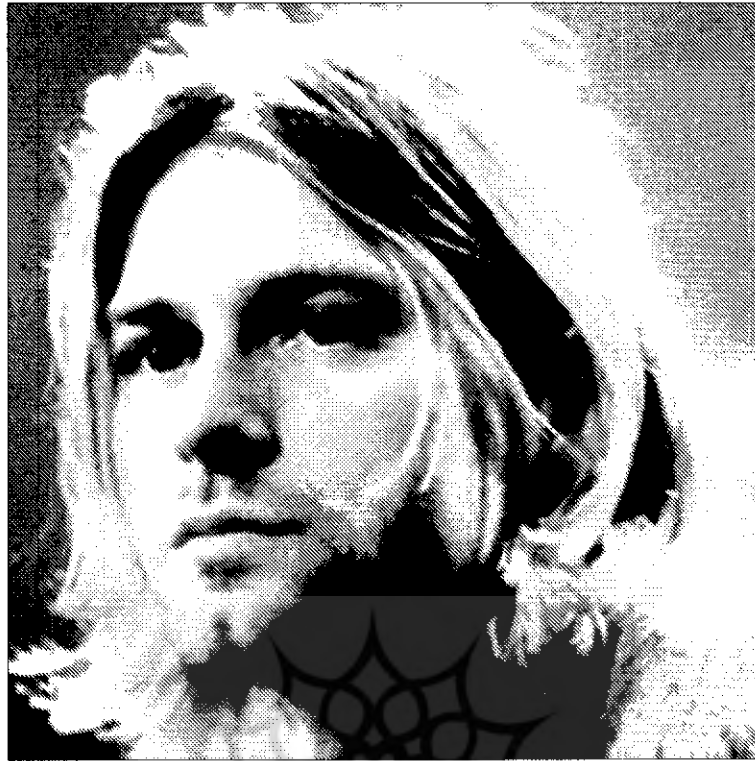
آره نمی‌تونم. بهر حال خیلی خوبه، وقتی Nevermind فروخت، فکر کردم بخدایا من صاحب ده پونزده میلیون دلار کوفتی می‌شم. البته ما خیلی اعیانی زندگی نمی‌کنیم. من هنوزم ماکارونی با پنیر می‌خورم چون واقعاً دوست دارم، ما آدم‌های

ولخرجی نیستیم. من سال قبل یک میلیون تا خرج کردم، واقعاً نمی‌دونم چی کار کردم، یک خونه خریدم 400,000 تا، حدود 300,000 تا مالیات دارم، دیگه چی؟ آها به مادرم یک ذره قرض دارم، یک ماشین‌ام خریدم.

نگران تأثیری که کار و نحوه زندگی‌ات رو Frances می‌ذاره نیستی؟ واسه اون این زندگی ممکنه خیلی عجیب باشه؟

خیلی نگران این قضیه‌ام. این واسه‌ام واقعاً غم‌انگیزه که می‌بینم اون مُدام باید این‌ور اون‌ور بشه، ما دوتا پرستار واسه‌اش گرفتیم، ولی وقتی تو سفریم یک عالمه آدم دور و ورش





هستن و هیچ وقت نمی تونه مثلاً بره پارک، ما واقعاً تمام سعی امون رو می کنیم ولی روی هم رفته ونسه اون، دنیای متفاوتی به.

توی آهنگ Serve the Servants می خونی «خیلی سعی کردم یک پدر داشته باشم ولی در عوض یک بابا نصیبم شده. نگران نبودی وقتی تو هم بزرگ شدی همون اشتباه رو بکنی که پدرت کرد؟ [پدر و مادر کوبین، در ۹ سالگی اواز هم جدای شویند].

نه، هیچ وقت نگران نبودم، من و پدرم کاملاً دو تا جور متفاوتیم، البته می دونم که خیلی مستعدم تا کلی از خصوصیات اون رو به نمایش بذارم. حتی آگه من و کورتنی از هم جدا بشیم، هرگز اجازه نمی دم Frances آسیب ببینه، اون جور مشکلات مال پدر مادرهای کودننه. البته فکر نمی کنم من و کورتنی هیچ وقت از هم جدا بشیم، ما همیشه تو زندگی کلی عشق داشتیم و بهش نیاز داریم چون مهم ترین هدف زندگی مونه و تا جایی که بشه این عشق و حمایت رو به Frances هم می دیم، این تنها چیزیه که می دونم هیچ وقت تغییر نمی کنه.

رابطه شماها [Nirvana] توی گروه چه طوره؟

وقتی مواد می زدم، افتضاح بود. هیچ جور ارتباطی با هم نداشتیم، Krist و Dave مشکلات مواد رو درک نمی کردن، اونا هیچ وقت لهش نبودن، اونا راجع به هرئونی همون جوری فکر می کنن که منم تا قبل از

مصرف، فکر می کردم. واقعاً غم انگیز بود، ما به ندرت با هم حرف می زدیم اونا مثل اکثر آدمها بد فکر می کردن و من بابت اعتیاد شرمندешون نیستم. خوب هیچ چیزی بدتر از اونی که نشون می ده نیست، از موقعی که پاک شدم [ترک کردم] اوضاع داره خیلی عادی تر می شه. البته به جز Dave، من هنوز نگرانشم، اون مدام فکر می کنه ما هر وقت که بتونیم عوض اش می کنیم، اون هنوز حس می کنه ... حس می کنه که امتحانشو [به گروه] پس نداده؟

آره، من واقعاً نمی فهمم، من تا جایی که بتونم ارزش تعریف می کنم، من آدمی ام که به ندرت از کسی تعریف می کنم به خصوص موقع تمرین، گمون می کنم Dave از اونا س که نیاز داره مدام یکی بهش اطمینان مجدد بده، منم اینو می فهمم و سعی می کنم بیشتر این کاررو بکنم.

توی کار همه چی رو با اونا در میون می ذاری؟

آره، من نظر اونا رو راجع به همه چی می پرسم، ولی نهایتاً تصمیم با خودمه. ما هیچ وقت جر و بحث نمی کنیم.

به این که روزی Nirvana منحل بشه و تو بخوای به تنهایی ادامه بدی، فکر کردی؟

فکر نمی کنم اهل کارهای تک نفری باشم. The kurt [Cobain project می خندد] ولی دوست دارم با آدمهایی که عکس منم، اونایی که دقیقاً دارن راه

مخالف منو می رن، کار کنم.

این [حرف] پیشگوی خوبی واسه آینده Nirvana نیست؟

خب، بین توی تمام این مصاحبه من داشتم سعی می کردم فقط یک چیزو بگم، ما داریم به نقطه تکرار می رسیم، من نمی تونم ببینم که عاقبت گروه، چند تا آلبوم دیگه درست شکل ۳ تای قبلی بشه، وقتی چند تا آدم مدام با هم کار می کنن، بعد مدتی محدود می شن. من واقعاً دوست دارم کارهای متفاوتی رو تجربه کنم و می دونم که Krist، Dave هم مثل من فکر می کنن. واقعاً نمی دونم ما دیگه بازم می تونیم با هم ادامه بدیم؟ آخ، من می خوام چند تا آهنگ مثل آلبوم آخر R.E.M بنویسم، به همون خوبی، مثل اونا. خدایا، اونا واقعاً محشرن چه اسمی می شه روشن گذاشت، «کالج راک»!

نه، واقعا داره یک جریان تازه راه می افته، جریانی که دیگه نمی تونی بیرون ازش باشی، فقط باید امیدوار باشی که شانس بیاری مخاطبهای متفاوت تری پیدا کنی یا حداقل مخاطبهای فعلی ات همراه تو رشد بکنن.

و آگه اونا [مخاطبها] گفتن «ما اینو نمی خوایم، برین

گم شین» اونوقت چی؟

آه. [می خندد] F -- Kem

□ 27/Jan/1994 مصاحبه انجام شد!